

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۱۶ اکتوبر ۲۰۲۴

صلح خواهی پارکابیهای چپ امپریالیستی در حمایت از حمله نظامی به ایران

امروز پس از عملیات انقلابی طوفان القصی در ۷ اکتوبر ۲۰۲۳ همه جهان دریافته است که رژیم صهیونیستی اسرائیل یک رژیم نسل کش، تبهکار و تروریستی است و هرگز به صلح و ترک خاک فلسطین نمی اندیشد. تا کل فلسطین اشغال است، صلح بی معناست. صحبت از صلح در سرزمین اشغالی یعنی تسلیم و تأیید اشغال. آتش بس با صلح متفاوت است. آتش بس برای تنفس جنبش مقاومت است و یک تاکتیک سیاسی و در خدمت سیاست ستراتیژیک برای اخراج اشغالگران از سرزمین مادری است. با اشغالگر باید با زبان گلوله و راکت و حمله طوفان القصائی صحبت کرد. هدف ما در این مقاله رو کردن دست ایرانی های خود فروخته است که تشدید مبارزه مردم در سراسر جهان در دفاع از مردم غزه و لبنان و در حمله احتمالی اسرائیل و آمریکا به ایران افشاء می کند. این خرابکاری از جانب سلطنت طلبان، فرقه مجاهدین رجوی، پیروان حزب اسرائیلی منصور حکمت شروع شد و از جانب جریانهای نظیر سازمان اقلیت و راه کارگر و احزاب ناسیونال شونیست کردی که در دو پهلو گوئی و ژورنالیسم بی محتوا به درجات عالی تکامل ارتقاء پیدا کرده اند، ادامه دارد. در این بین ولگردان سیاسی نیز که نه ماهیتشان روشن است و نه تعهدی داشته و نه مسؤولیتی در جنبش حمل می کنند و نه به کسی امروز و یا فردا پاسخگو بوده و خواهند بود و پرمدعانه "مستقل" در دامن امپریالیسم عمل می کنند، در کوچه پس کوچه های باور مردم راه افتاده اند و برای حمله احتمالی رژیم صهیونیستی اسرائیل به ایران و بمباران صنایع هسته ای و زیر ساخت های ایران بازار گرمی می کنند. آیا این ولگردان سیاسی پس مانده ها و مباشران همان جریانهای سیاسی ایرانی نیستند که از این در عقب وارد می شوند، زیرا خودشان جسارت موضع گیری روشن را ندارند؟

حزب ما به صراحت روشن کرده است که دنباله روان تئوری های ارتجاعی منصور حکمت و در اینجا "حزب کمونیست کارگری ایران" که نه کمونیست است، نه کارگری و نه ایرانی خط ارتجاعی روشنی را تعقیب می کنند که چون خط قرمزی در تمام سیاستهای آنها به چشم می خورد. آنها در تمام عرصه های پیکار طبقاتی در جهان، از تحولات در کشورهای عربی گرفته تا عراق و افغانستان، از فلسطین گرفته تا لبنان و سوریه، از ایران گرفته تا ونزوئلا و کوبا در کنار ارتجاع جهانی، در کنار صهیونیسم و امپریالیسم قرار دارند و می خواهند در پارکابی آنها به ایران حمله نمایند و ایران را "آزاد" کنند. جریانهای نظیر سازمان اقلیت و راه کارگر و این قبیل گروه ها که حتی اشغال ایران را تحمل می کنند و می خواهند از "فرصت مناسب" تجاوز به ایران با همدستی امپریالیستها در ایران "سوسیالیسم شورائی" را

مستقر کنند؟!؟! درست خوانده اید، آنها می خواهند در پارکابی امپریالیستها به ایران حمله کنند و "سوسیالیسم" را مستقر سازند. این تئوری ها از روی جهالت نیست از روی خیانت و همدستی با امپریالیستهاست که در تمام زمینه ها خودش را بروز می دهد. کارزار ایران تریبونال و معرکه گیری پشت "افشای انقلابی" حمید نوری " و شرکت "مستقل" در تظاهرات غائله (زن زندگی آزادی) برلین تحت حمایت ناتو و در کنار سلطنت طلبان و محافل اسرائیلی تنها یکی از این گوشه هاست. اکنون این دارو دسته ها راه افتاده اند **وبا شعار " نه به جنگ، نه به جنگ طلبان، نه به حکومت اسلامی. زنده باد انقلاب کارگری! "** (اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست. اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت سوم اکتوبر ۲۰۲۴) از مردم می خواهند "صدای خود را علیه جنگ و جنگ طلبان، در دفاع از روند انقلابی در ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی، برای همزیستی مردمان منطقه، برای به رسمیت شناسی دولت مستقل فلسطین، برای آزادی و برابری و سوسیالیسم بلند کنند" و به توجیه تجاوز اسرائیل و آدمکشی آنها پرداخته و یکی به نعل و یکی به میخ می زنند. این جماعت تروتسکیست و ضد انقلابی هم سازمان مقاومت فلسطین حماس و هم کل جنبش مقاومت فلسطین از جمله جبهه خلق برای آزادی فلسطین را به خاطر حمله قهرمانانه طوفان القصی به عنوان "یک عملیات تروریستی" محکوم می کنند و آنها را مسبب کشتار اسرائیل و بمباران لبنان جلوه می دهند که گویا مردم "غیر نظامی" را کشتند و هم بمباران جنایتکارانه اسرائیل را که مسببش را حماس جا می زنند، برای فریب افکار عمومی "محکوم" می کنند. آنها با تیرهای هوایی هر دو طرف را محکوم می کنند. تو گوئی اگر سازمان حماس راکت حمله نمی کرد و تسلیم می شد و اشغال سرزمینش را توسط اشغالگران یهودی می پذیرفت، اسرائیلیها خاک سرزمینهای اشغالی را ترک و یا دولتی را به آنها اهداء می کردند، همانطور که با قرارداد "صلح اسلو" اهداء کردند!

امروز هر یهودی "غیرنظامی" که به اسرائیل می رود، آگاه است که به یک سرزمین اشغال شده می رود و می خواهد با تمام قواء از تصاحب سرزمینهای دیگری با بمب و سلاحهای کشتار جمعی و با نسل کشی دفاع کند. هر یهودی صهیونیست که به اسرائیل می رود می داند که برای جنگ و چپاول رفته است. توجیهات دینی فقط حرف مفت و توجیه یک سیاست استعماری است. آنها را باید با قهر انقلابی بیرون کرد. نیروی "عظیم تسلیحاتی" حماس همان چیزی است که تاکنون در طی یک سال مقاومت نشان داده است. شرم آور است در شرایطی که یک جبهه انقلابی جان برکف در غزه تحت محاصره دشمن وحشی با تمام قواء علیه صهیونیسم و امریکا و کل جهان غرب می جنگد مشتاقان و وطن فروش به یاری صهیونیستها آمدند تا در پارکابی آنها رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون سازند. باید دست این دشمنان مردم در لباس چپ را رو کرد و آنها را رسوا ساخت.

جنبش مقاومت فلسطین و در رأس آن سازمان فلسطینی مقاومت حماس به عنوان بزرگترین نیروی جنبش فلسطین حق دارد و باید برای پایان دادن به اشغال سرزمینش از هر ابزاری که در دست دارد، استفاده کند. مبارزه خلق فلسطین توسط نماینده منتخبش که به مذاق عده ای خوش نمی آید، محکوم نیست، عادلانه و محق است، تجاوز صهیونیستها محکوم است. این حماس نیست که تروریست است این صهیونیستها و همه متحدان آنها هستند که تروریست اند و از تروریستها دفاع می کنند. این حقه بازی روشنفکران مزدور ایرانی و امپریالیستی را ملت های جهان نمی پذیرند و محکوم می کنند. مردم همه سرزمینهای دنیا صرف نظر از دین و نژاد و بزرگی و یا کوچکی، صرف نظر از سطح فرهنگی و قدمت تاریخی و ... حق دارند در مقابل اشغالگران و زورگویان جنایتکار به پا خیزند و آنها را در سرزمین خودشان دفن کنند، تا باشد که کسی سرزمینهای دیگران را اشغال نکند. کسانی که این حق را برای ملتها به رسمیت نمی شناسند، هوادار قانون جنگل اند، هوادار تسلط استعمار و امپریالیسم اند. این عده دستشان در مورد مسأله فلسطین رو می شود.

هر چه این مبارزه تشدید شود رنگ مواضع ارتجاعی و دو پهلو را که تنها در خدمت ارتجاع جهانی است از میان می برد. تئوری "هم با این و هم با آن"، تئوری "جنگیدن در دو جبهه"، تئوری "مبارزه همزمان با دو قطب ارتجاع"، ماهیت ارتجاعی خویش را در عمل نشان می دهد. اپوزیسیون انقلابی ایران باید مرزهای خویش را با این خود فروختگان روشن کند تا دست جاده صاف کن های امپریالیسم در ایران رو شود و نتوانند با نقاب "چپ"، امپریالیسم و صهیونیسم را آرایش کنند و متحد مبارزه به ضد جمهوری اسلامی جا زنند.

بر اندازی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی باید در یک پروسه طولانی وبا دست کارگران و زحمتکشان و توده سازمانیافته ایران و برای استقرار رژیم انقلابی و مترقی و در بهترین حالت رژیمی سوسیالیستی و در پیکار با خود فروختگان و مزدوران امپریالیسم و صهیونیسم صورت گیرد. اگر به ضد این جریان های خودفروخته که بخشی از آنها پول اخاذی می کنند و لذا اقتناع پذیر نیستند، مبارزه نشود زمینه خودفروختگی رشد می کند و بتدریج خودفروختگی مجلسی می گردد که گردیده است.

مبارزه خلق فلسطین که از جانب مردم دنیا مورد تأیید است و این را تظاهرات های میلیونی یک سال اخیر در سراسر جهان نشان داده و همچنان ادامه دارد، برای همه ایرانیان هوادار امپریالیسم و صهیونیسم مشکل آفرین شده است که با کلی گوئی و عبارتپردازیهای پوچ از زیر بار تحلیل مشخص از شرایط مشخص شانه خالی کنند و به نفع صهیونیستها موضع بگیرند. این ایرانیها هوادار مبارزه موهومی فلسطین، خلق موهومی فلسطین هستند که در جبهه سوم موهومی فلسطین، به ضد اسرائیل و "اسلام سیاسی" واقعی می رزند. تا ابد نمی شود مردم فریبی و خودفربیی کرد. ننگشان باد!

نه به جنگ تجاوزکارانه رژیم نسل کش و صهیونیستی اسرائیل !

نه به نسل کشی در غزه!

نه به تجاوز و بمباران لبنان!

دستها از ایران کوتاه !

زنده باد همبستگی خلقهای منطقه علیه صهیونیسم و امپریالیسم!

حزب کار ایران (توفان)

۲۳ مهرماه ۱۴۰۳

www.toufan.org

<https://t.me/totoufan>